

دائرة المعارف ناسیونالیسم در یک نگاه

● محمدرضا قنبری

پژوهشگر

کنونی که در قالب‌های جدید مطرح شده‌است و شکل‌بندی‌های مذکور شناخته شود. مطرح شدن ناسیونالیسم به شکل فوق، آن را گفتمانی نشان می‌دهد که از تعارض و تعاون و نیز استمرار و تغییر سخن می‌گوید. بدین ترتیب ناسیونالیسم در دو مقوله مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. دردوران حاکمیت استعمار (از جمله جنگ جهانی دوم)؛

۲: در دوران جنگ سرد و دوران پس از جنگ سرد. اگرچه ناسیونالیسم پدیده‌ای نسبتاً جدید و متأخر است، اما در همین مدت کوتاه منشأ تحولات بزرگی در جهان شده‌است. کشورهایی به واسطه بهره‌گیری از آن وحدت یافته‌اند و در مقابل سرزمین‌هایی به واسطه آن از یکدیگر جدا شدند. کارکردهای متفاوت ناسیونالیسم که در اغلب تحولات سده گذشته مؤثر بود، به اعتراف مترجمان دایرة المعارف «متخصصان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی را به شدت نگران نمود» و سبب مطالعات زیاد و تدوین کتاب‌های متعدد در این زمینه شد که دایرة المعارف ناسیونالیسم از آن جمله‌است.

به همین منظور «آکادمیک پرس» دایرة المعارف ناسیونالیسم را در سال ۲۰۰۱ منتشر کرده‌است که سرپرست و سرویراستار آن، الکساندر ماتیل از دانشگاه اتگز است. در کنار سرپرست، شورای مشاورانی مرکب از بیست نفر از متخصصان مشهور در علوم اجتماعی قرار داشتند.

دایرة المعارف ناسیونالیسم در زبان اصلی در دو مجلد منتشر شده‌است: جلد یک به «مفاهیم اساسی» اختصاص داده شده است که در مجموع شامل ۴۶ مقاله می‌شود. برخی از این مقاله‌ها بصورت رساله‌های مفصل به بررسی‌های تاریخی مناطق جغرافیایی جهان از قبیل آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آسیای شرقی، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، اروپای شرقی، اروپای غربی، خاورمیانه و ... مضامین اساسی از قبیل مردم‌شناسی، دین، اقتصاد، نظریه سیاسی، جنسیت، تاریخ و ... موضوعاتی چون هنر و فرهنگ، دموکراسی، توسعه، ایدئولوژی



● تدوین زیر نظر الکساندر ماتیل. دایرة المعارف ناسیونالیسم، سرپرستان ترجمه فارسی: کامران فانی، محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات کتابخانه وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳، ۳ مجلد، رحلی.

مقدمه:

تحولات سریع علوم و فنون بشری در قرون معاصر اقوام و ملت‌ها را ناگزیر نمود که ضمن نگاه کلان‌نگر، به بررسی دگرگونی‌های بنیادینی بپردازند و به امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بوم‌شناختی در سطح جهانی روی آورند، بویژه مفاهیمی که به ظهور رسیدند، این بار ناسیونالیسم، در زمینه‌هایی چون صلح، پیشرفت، امنیت و نیز مضمون‌های گسترده‌تر از قبیل فرهنگ، دموکراسی و حکومت مطرح می‌شود. از این رو لازم است که گونه‌های متفاوت ناسیونالیسم موجود در دنیای

و ... می‌پردازد و در ارتباط با ناسیونالیسم تدوین شده است. لازم به ذکر است در ترجمه فارسی، این مجلد در دو جلد تنظیم شده است.

جلد دوم که در ترجمه فارسی به منزله جلد سوم می‌باشد، در واقع یک دائرة المعارف تخصصی در حوزه علوم سیاسی، تاریخ، علوم اجتماعی و دیگر علوم مرتبط می‌باشد و شامل مقالات کوتاهی درباره شخصیت‌ها، پاره‌ای از مفاهیم و جنبش‌های ناسیونالیستی در کشورهای مختلف دنیا است.

ترجمه مقالات دائرة المعارف به صورت الفبایی است و ساختار هر مقاله به این شرح می‌باشد: مدخل مقاله، نام نویسنده و مترجم در ترجمه فارسی، خلاصه، اصطلاحنامه حاوی: اصطلاحات مهم و بنیادی مقاله، همراه با توضیحی کوتاه، متن مقاله و ارجاع‌ها.

این دایرة المعارف حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی است که بسیاری از مسائل مرتبط به امور اقوام، ملت‌ها و دولت‌ها کتاب را در جایگاه رفیعی قرار داده است که مطالعه مدخل‌های آن را لازم و ضروری کرده است. نگاهی گذرا و خلاصه به برخی مدخل‌های آن در معرفی کتاب ضروری است.

جلد اول

جلد اول دائرة المعارف به کشورهای زیر پرداخته است: آسیای جنوب شرقی، آسیای جنوبی، آسیای شرقی، آفریقای جنوب صحرا، آفریقای شمالی، آمریکای جنوبی و مرکزی، آمریکای شمالی، اروپای شرقی و اروپای غربی.

آسیای جنوب شرقی

ناسیونالیسم در آسیای جنوب شرقی عبارت بوده است از: مجموعه مبارزه‌هایی ضد «استعمارگر بیگانه» و رژیم سابق، ضد غربی شدن و نیز تحکیم و تقویت پیش فرض‌های غرب درباره «ملت»، «دولت»، «جماعت» و ضد جهانی شدن به رهبری اروپا و آمریکا و نیز دفاع از مقام و جایگاه آسیای جنوب شرقی در فرآیند جهانی شدن.

بخش‌های این مدخل شامل موارد زیر است:

۱. شیخ مقایسه‌ها: دو راهی‌ها و تشکیلات در گفتمان‌های

ناسیونالیستی.

۲. گونه‌های ناسیونالیسم در آسیای جنوب شرقی.

۳. آینده ناسیونالیسم در آسیای جنوب شرقی: هویت، تفکر

و گفتمان.

آسیای جنوبی

ناسیونالیسم، در آسیای جنوبی نوعی واکنش مردمی در چالش با استعمار غرب است که به مثابه یک اندیشه و نیروی تاریخی

حضور داشته و قلمروی است به شدت مجادله‌انگیز. ظهور دو «کشور - ملت» هند و پاکستان، در زمان خروج بریتانیا، در سال ۱۹۴۷، تضادهای دیرین را برانگیخت و موجب مباحثات تازه‌ای درباره ماهیت رقابت‌ها و احساسات ضد امپریالیستی جوامع گوناگون اجتماعی و مذهبی شبه‌قاره شد. اساسی‌ترین میراث استعمار، یعنی جدایی پنجاب و بنگال به منظور ایجاد کشور مستقل اسلامی پاکستان و بنگلادش، توازن سیاسی مرکز و توابع شبه قاره را به هم ریخت. جدا شدن مناطقی که در آن مسلمانان اکثریت داشتند در شمال غربی و شمال شرقی شبه قاره از بخش‌های هندونشین هندوستان سبب گسستگی شبکه‌های کهن ارتباطات اجتماعی طی چندین قرن و نیز مبادلات فرهنگی و مادی گردید.

در این مدخل به زمینه تاریخی شکل‌گیری ناسیونالیسم، منتقدان آن، استقلال‌طلبی‌ها و تقسیم هندوستان و ادعاهای ملی هندی‌ها پرداخته شده است.

آسیای شرقی

با آن که ناسیونالیسم در چین، ژاپن و کره جهت تأکید بر ادعاهای جدایی فرهنگی و سیاسی در عصر مدرن عمل کرده است، حضور آیین کنفوسیوسی و هم‌چنین واژگان سیاسی جدید در برآمدن ناسیونالیسم در آسیای شرقی سهیم‌اند که سبب بروز نوعی احساس مشترک در منطقه مبتنی بر تفاوت با غرب، اما رفتاری متفاوت در برابر تجددطلبی در ابراز وجود ناسیونالیسم در آسیای شرقی شده است. استقرار نخستین دولت ناسیونالیستی آسیای شرقی در اواخر سده نوزدهم در ژاپن، هم به منزله منشأ امید برای دیگر آسیایی‌های شرقی عمل کرد و هم در اوایل سده بیستم پس از روی آوردن ژاپن به امپریالیسم به صورت بزرگ‌ترین سد راه آنان درآمد. در زمانی که هنوز دولت‌های مستقل چین و کره تأسیس نشده بودند، روشنفکران این دو کشور نقش مهمی در تبیین هویت ملی ایفا کردند. حتی در ژاپن، در فرآیند تشکیل دولت «میجی» از طریق هنجارهای قانونی غربی، که هرگز تجسم آرمان‌های ناسیونالیستی روشنفکران ژاپنی نبود، روشنفکران مذکور واجد اهمیت بودند. درک ناسیونالیسم در آسیای شرقی مستلزم توجه دقیق به زبان مشترکی است که روشنفکران سراسر منطقه مفاهیم هویت ملی، اثرات جنبش‌های ناسیونالیستی و نقش متغیر دولت‌ها، امپریالیسم و غرب در اواخر سده نوزدهم و طی سده بیستم را به آن زبان درک می‌کردند. این مقاله با پرداختن به سنت چین محور، انقلاب صنعتی آسیای شرقی، بررسی رابطه امپریالیسم و ناسیونالیسم و تلقی از ناسیونالیسم قومی بعنوان ایدئولوژی انقلابی و استمرار و تحول ناسیونالیسم پس از جنگ جهانی دوم به نگارش درآمده است.

آفریقای جنوب صحرا

مصطلح‌ترین تعریف ناسیونالیسم در آفریقای جنوب صحرا شامل موارد زیر است:

الف - همسازی سیاسی اعضای آن با کیان و سرزمینی که بعنوان کشور صاحب حاکمیت شناخته می‌شود. در این مورد ناسیونالیسم ممکن است به صورت جشن افتخار دستاوردهای کشور ابراز شود. در موارد دیگر ناسیونالیسم به شکل واکنش دفاعی در برابر تهدید یا انتقادهای خارجی بیان می‌گردد.

ب - برعکس موارد فوق، ممکن است ناسیونالیسم معطوف به آرمانی باشد. بدین ترتیب خواهان حذف مرزهای تعیین شده به دست قدرت‌های پیشین استعماری با هدف ایجاد نوعی فدراسیون یا اتحادیه وسیع‌تر آفریقایی است که غالباً بعنوان «پان آفریکانیسم» توصیف می‌گردد.

ج - ناسیونالیسم می‌تواند جنبشی بر پایه بیزاری از نژادپرستی، استعمار، بردگی یا تبعیض نژادی باشد که به شکل سفید پوست‌ستیزی یا گاه آسیایی ستیزی ظاهر می‌شود.

د - در سطح قومی، ناسیونالیسم در پشت این باور نهفته است که مردمی که در گروه‌های قومی، زبانی و پیشینه فرهنگی سهم مشترک دارند می‌بایست از جنبه سیاسی به صورت «ناسیونالیسم قومی» هم پیوند باشند.

ه - ناسیونالیسم ممکن است از دید بسیاری از مردم فراسوی مرزهای ملی، این باشد که قاره آفریقا در نتیجه تاریخ استعماری و عملکرد سیاسی - اقتصادی از زمان استقلال کشورهای آن، به محرومیت نیز دچار شده است. یکی از تبعات این دیدگاه را می‌توان در «ناسیونالیسم اقتصادی یا مالی» یافت، که مطابق آن دولت تصمیم می‌گیرد به هزینه یک شریک تجاری خارجی، در روابط مالی یا تجاری مداخله کند. بخش‌هایی که به ناسیونالیسم در جنوب صحرا پرداخته شده شامل این موارد می‌باشد: ملت در مقابل دولت، پیشگامان ناسیونالیسم آفریقایی، ناسیونالیست‌ها و استقلال، سازمان وحدت آفریقا، ارتش آفریقا و رابطه ناسیونالیسم آفریقایی با جنگ سرد و معضلات پس از آن.

آفریقای شمالی

الگوهای متفاوت جاذبه‌استعماری در شمال آفریقا در خلال سده نوزدهم نقش عمده‌ای در چگونگی شکل‌گیری و تحول جنبش‌های ناسیونالیستی در سده بیستم ایفا کردند. در نتیجه این ناهمسانی ناسیونالیسم مشترک بوجود نیامد. با این حال مشکلات مشابه و نیز اشتراک مذهب، زبان و فرهنگ در این منطقه می‌تواند در آینده به نوعی به هویت ناسیونالیستی همسان‌تر بینجامد. بخش‌های این مدخل شامل توجه به الجزایر، مراکش، صحرای غربی، تونس، لیبی و اتحادیه

مغرب عربی می‌باشد.

آمریکای جنوبی و مرکزی

پدید آمدن کشورها در آمریکای مرکزی، از جمله مکزیک که به دنبال پایان سروری اسپانیا و پرتغال سر برآوردند، امری جدید است. جمهوری‌های نوبنیاد اوایل سده نوزدهم با جنبه‌های گریزناپذیر داخلی و خارجی ناسیونالیسم مواجه شدند. وظیفه تعیین حد و مرزها، مشخص کردن حاکمیت، دفاع از مرزهای سرزمین و حصول شناسایی بین‌المللی جنبه خارجی آن و اهمیت سازماندهی داخلی جامعه ملی و غلبه بر مشکلات ناشی از نیل به خودکفایی و مشروعیت سیاسی، هم‌چنین بکارگرفتن وسایل نهادینه یا الزامی به منظور وحدت بخشیدن به قومیت‌ها و جامعه‌ای پیچیده از جنبه داخلی آن محسوب می‌شد. نامتجانس بودن کشورها و ملل آمریکای مرکزی و جنوبی، در ناسیونالیسم این منطقه تأثیر گذاشته است.

در این مدخل ریشه‌های تاریخی مورد استناد جنبش‌های استقلال طلب و مشکلات داخلی این کشورها بررسی می‌شود. بنابراین به مباحثی دربارهٔ امور اصلی که در ترکیب ملت - کشورهای گوناگون مؤثرند، از قبیل اختلافات ارضی، وابستگی اقتصادی، انقلابات و نظامی‌سازی می‌پردازد. سرانجام اینکه به هویت و فرهنگ به گونه‌ای که بازتاب حافظه تاریخی و جوهره حیات ملل در گذشته و حال باشد نیز توجهی می‌شود. از این رو مؤلف به بخشی نیز درباره قابلیت ماندگاری و پایداری مردمان بومی در ایجاد ملل و ناسیونالیسم پرداخته است.

آمریکای شمالی

مقصود از آمریکای شمالی، ایالات متحده و کانادا است. از بخش‌های مورد توجه این مدخل چگونگی شکل‌گیری هویت ملی ایالات متحده و کانادا و تغییر و تحول آن طی زمان می‌باشد. تمرکز بر روی دوره‌های اصلی و به اصطلاح کلیدی و اتفاقات تاریخی بوده است که بر شکل و محتوای ناسیونالیسم در هر کشور، و هم‌چنین بر تعامل ناسیونالیسم‌های ایالات متحده و کانادا تأثیر گذاشته‌اند.

اروپای شرقی

اروپای شرقی عمدتاً مسکن جماعت‌های کوچکی است که در طول تاریخ تحت تسلط امپراتوری‌هایی قرار داشته‌اند. این امپراتوری‌ها عمدتاً دارای ایدئولوژی فرا ملی و دودمانی بوده و می‌کوشیدند تسلط خود را بر سرزمین‌هایی که از لحاظ قومی و مذهبی با آن‌ها نامتجانس بودند و از نظر سیاسی وضعی خاص داشتند، حفظ کنند. در نتیجه یکایک کشورهای اروپای شرقی نه تنها مجبور بودند، حضور اقلیت‌های ملی گسترده‌ای را

کوشش شده است تا تعامل انقلاب با ناسیونالیسم تبیین گردد و ناسیونالیسم در انقلاب‌های تاریخ شناسانده شود.

بررسی رابطه ناسیونالیسم با باستان‌شناسی، پسا مدرنیسم و تاریخ از مدخل‌های بعدی است که در این میان علم تاریخ برداشت‌های متفاوت ملت‌ها و اقوام مختلف از ناسیونالیسم را نشان می‌دهد و با پرده برداری و بازسازی گذشته سهم مورخان را در ایجاد آگاهی ملی و ناسیونالیسم یادآور می‌شود.

یکی از مباحث مهم، روشن کردن «تاریخ اقتصادی ناسیونالیسم» است که در آن برخلاف رویه اقتصاددانان، یا در نظر گرفتن رابطه نهادهای اجتماعی و سیاسی با اقتصاد کوشش مورخان اقتصادی برای توضیح ناسیونالیسم بعنوان نیروی سیاسی و فرهنگی به تصویر کشیده شده است. بررسی ملت سازی در اروپای مدرن، رابطه ناسیونالیسم با نوامپریالیسم، نازیسم و استالینیسم از بخش‌های عمده این مدخل می‌باشد. نشان دادن رابطه توسعه و ناسیونالیسم از دید کشورهای فقیر، نولیبرالیسم و با توجه به سیر تاریخی بویژه در سیر جهانی شدن ذیل مدخل «توسعه» آمده است.

عامل جامعه‌شناسی با ناسیونالیسم با تأکید بر ناسیونالیسم آثار کلاسیک جامعه‌شناسی از قبیل آثار ماکس وبر، امیل دورکهایم مکاتب جامعه‌شناسی، کارکردگرایی و نهادگرایی در مبحث جامعه‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است.

ذیل جغرافیا، اقدام جغرافی‌دانان سیاسی و جمعیتی که ناظر بر مطالعه حول محور هویت قومی و ملی و روابط متقابل مکان و هویت می‌باشد، مورد توجه بوده است. در حقیقت فصل مشترک جغرافیا و ناسیونالیسم مکان، قدرت و هویت می‌باشد که در تحولات اخیر مطرح شده است.

موضوعات جنسیت، ملت، جنگ و امنیت، حقوق بین‌الملل از دیگر مدخل‌ها است که ضمن آن‌ها مباحث مرتبط با تأثیر روابط مبتنی بر جنسیت در فرهنگ و سنت‌ها، فمینیسم، دلایل، موجبات و سرچشمه‌های درگیری‌های خشونت‌آمیز، ارتش‌های توده‌ای، پیوند ناسیونالیسم و نظامی‌گری، جدایی و الحاق طلبی‌ها، پاکسازی قومی، نسل‌کشی، خودمختاری و حقوق اقلیت‌ها آمده است.

ذیل حرف «خ» به خاورمیانه و خشونت و رابطه آن‌ها با ناسیونالیسم پرداخته شده است و شاخه‌های ناسیونالیسم از قبیل عرب، کرد، ترک، فلسطینی و ایرانی و کاربرد عمده نیروی فیزیکی با هدف وارد آوردن آسیب به اشخاص و خسارت به اموال بحث شده است.

مفاهیم عمده از قبیل ملت، زاد و بوم از دیگر مدخل‌های دایرةالمعارف می‌باشد. در مدخل «ملت» تکوین مفهومی مدرن ملت، ویژگی‌های هویت ملی و پدیده‌هایی از قبیل میهن‌پرستی و قومیت و روابط آن‌ها با ناسیونالیسم بحث شده است. «زاد و

که فاقد معیارهای نسبی و تباری متعلق به آن ملت بودند، بپذیرند، بلکه چاره‌ای نداشتند جز آنکه با خواستن الحاق همسایگان به خود تمامی اعضای ملل مربوط به خویش را در کشور و سرزمینی یکپارچه جمع کنند، مقابله کنند. عمده‌ترین بخش‌های این مدخل شامل ملت‌ها پیش از ناسیونالیسم، مسأله ملیت، ناسیونالیسم و انترناسیونالیسم و سوسیالیسم و رابطه آن‌ها با یکدیگر می‌باشد.

اروپای غربی

اروپای غربی برای مطالعه ناسیونالیسم عرصه‌ای فوق‌العاده غنی است. این ناحیه که تعریف آن کاملاً روشن نیست، نه فقط پهنه‌ای است که ناسیونالیسم در آن زاده شد، بلکه در برگیرنده سه نوع شناخته شده تاریخی ناسیونالیسم است، که هر یک امکان توسعه را داشتند. افزون بر آن اروپا شامل جوامعی است که هرگز ناسیونالیسم در آن شکل نگرفت. کشورهایی که برای توسعه ناسیونالیسم تلاش کردند، اما شکست خوردند؛ و اجتماعاتی که جوش و خروش ناسیونالیستی فقط در اواخر سده بیستم در آن‌ها برانگیخته شد.

این ناهمگنی امکان می‌دهد تا ناسیونالیسم در ابعادی تحلیلی و تطبیقی و در پیوند با محیط برانگیزنده آن بررسی شود. علاوه بر این، پیوندهای برخاسته از جامعه اقتصادی اروپا در مراحل قبلی و اتحادیه اروپا در حال حاضر، اروپای غربی را به کانون تأمل و تفکر نسبت به پایان گرفتن ناسیونالیسم تبدیل کرده است. بدین ترتیب اروپای غربی اکنون بهترین آزمایشگاه موجود برای بررسی و تحلیل این تأملات است.

علاوه بر مناطق جغرافیایی و کشورها، مفاهیم و رابطه آن‌ها با ناسیونالیسم مورد توجه هیأت نویسندگان دایرةالمعارف بوده است. از آن جمله رابطه امپراتوری‌ها و ناسیونالیسم است که یک امپراتوری نه فقط به ذات خود ناسیونالیستی است، بلکه سرچشمه ناسیونالیسم در دیگران هم هست، زیرا وجود آن سبب تقویت و حتی تشدید نوعی هویت ملی متمایز در گروه حاکم می‌شود که سرچشمه پیدایش ناسیونالیسم در دیگران است. همچنین و بر انگیزش نوعی احساس متباین هویت ملی در گروه‌های تابع اثر می‌گذارد و شرایطی برای مدرن‌سازی پدید می‌آورد که گروه‌ها برای نیل به مرتبه ملت به آن نیاز دارند.

«انقلاب و ایدئولوژی» از دیگر مفاهیم و پدیده‌هایی است که با ناسیونالیسم رابطه دارند. تعریف اصطلاح انقلاب نیز به مانند خود ناسیونالیسم دچار تناقض است. یکی از معضلات موضوع آن است که آیا این اصطلاح می‌بایست آن چنان وسیع باشد که تقریباً همه شکل‌های خشونت سیاسی جمعی یا «جنگ داخلی» را هم شامل گردد، یا نه؟ در مدخل «انقلاب»

ناسیونالیسم در عصر دولت‌های ملی به رشد خود ادامه داد، اما در مقابل رشد و توسعه دولت مدرن به ناسیونالیسم و رشد مطالبات ناسیونالیست‌ها شکل داده‌است.

دین با ناسیونالیسم رابطه‌ای عمیق و پیچیده دارد. برخی معتقدند از نظر تاریخی دین به توجیه ناسیونالیسم پرداخته یا بعنوان چارچوبی برای آن بوده‌است.

روزنامه‌نگاری نیز از مفاهیم مورد توجه در نگارش دایرةالمعارف ناسیونالیسم است، زیرا نوشته‌های روزنامه‌نگاران افراد شجاع را در استقلال یاری داد، یا به خدمت آرمان‌های آن‌ها درآورد. برعکس گاه دولت‌های افراطی از روزنامه‌نگاران برای برانگیختن نفرت مردم به ناسیونالیسم بهره گرفته‌اند.

جلد دوم

در جلد دوم که در ترجمه فارسی جلد سوم است، مدخل‌ها به صورت الفبایی به نگارش درآمده‌است. در هر مدخل به جنبش‌ها، شخصیت‌ها و مفاهیم توجه شده‌است و به صورت بسیار خلاصه هر یک مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

ذیل حرف «ا» به ۲۸ مدخل اشاره شده‌است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: آپارتاید، آتاتورک، آسیای مرکزی ناسیونالیسم.

آفریقای جنوبی ناسیونالیسم، آئنده سالوادور، آمریکای لاتین ناسیونالیسم، آمریکا ناسیونالیسم پیش و پس از ۱۹۱۴. در حرف «الف» به ۵۸ مدخل اشاره شده‌است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

اتحاد جماهیر شوروی و ناسیونالیسم، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب، ادبیات و ناسیونالیسم، اعلامیه بلفور، افغانستان و ناسیونالیسم، اکتشاف، الهیات سیاسی، انقلاب صنعتی، انقلاب آمریکا، انقلاب فرانسه، اومانیسم، ناسیونالیسم در ایران، ایردنتیسم یا الحاق طلبی تاریخ و مفهوم.

حرف «ب» نیز به ۳۶ عنوان اشاره می‌کند. از جمله: برابری، لئونید رژنف لئونید، برلین آیزایا، بریتانیایی ناسیونالیسم، بگین مناخیم، بلژیک مستعمرات و ناسیونالیسم، بلغاری ناسیونالیسم، بناپارتیسم، بنگلادشی ناسیونالیسم، بورقیه جیب، بوسنیایی ناسیونالیسم، بولیوار سیمون، بهسازی نژادی، بیسمارک اوتوخون، بیگانه هراسی (بیگانه ستیزی).

ذیل حرف «پ» به ۴۳ مدخل اشاره شده که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پاراگوئه‌ای ناسیونالیسم، پاز اکتاویو، پاکسازی قومی، پاکستانی ناسیونالیسم، پان ترکیسم، پان تورانیسم، پان ژرمن اتحادیه، پتن هانری، پوشکین الکساندر، پهلوی محمدرضا، پتن توماس، پینوشه اگوستو، پرون اوگارتته خوان.

در حرف «ت» به ۲۹ مدخل که با حرف «ت» شروع می‌شود، اشاره کرده‌است: تاتاری ناسیونالیسم، تاجر مارگارت،

بوم» نیز سرزمینی تعریف شده‌است که منطقه تاریخی محل سکونت هر گروهی باشد که یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های هویت آن ملت خواهد بود. مباحث تعلق ارضی، خودمختاری زاد و بوم‌های سیاسی، مدنی - قومی، ملی و رابطه آن‌ها با سیاست و ناسیونالیسم در این مدخل به نگارش درآمده‌است. در مدخل «سازمان‌های افراطی» عناوین سازمان‌های فراملی (Son)، سازمان‌های بین‌المللی (I Go)، ها، و سازمان‌های غیر دولتی (Ngo) ها شرح داده شده‌اند.

در مباحث مرتبط با اندیشه‌ها و نظریه‌پردازی و ذیل علوم سیاسی به فاشیسم، لیبرالیسم و مارکسیسم توجه شده‌است. فاشیسم بعنوان «سیاست دست راستی» در مقابل «سیاست دست چپ» از قبیل سوسیالیسم و بلشویسم مطرح شده‌است. لیبرالیسم خواهان مشروعیت بر پایه احترام و خودگردانی افراد است و در مقابل ناسیونالیسم مشروعیت را بر پایه وفاق کشور و ملت قرار می‌دهد. مارکسیسم که در آغاز هیچ نظریه‌ای درباره ملت و ملی‌گرایی نداشت در برخورد با ملت و اقوام مختلف متفاوت عمل کرد، مثلاً در مورد آلمان و ایتالیا از دولت متحد بر پایه قومیت حمایت کرد و در مورد لهستان و ایرلند از جداسازی و در مورد اقوام اروپای شرقی مخالف جدا سازی بود. رویه عملی کمونیست‌ها در کشورهایی که حکومت کمونیستی داشتند غالباً ناسیونالیستی بود.

ذیل مدخل «نظریه سیاسی»، رابطه سیاسی ناسیونالیسم با نظریه سیاسی بحث شده‌است. حاصل بحث آن است که هنوز نظریه سیاسی ناسیونالیستی واحدی وجود ندارد، و مجموعه ناهمگنی از دیدگاه‌های غالباً متقابل و متمایز تحت عنوان نظریه سیاسی جمع شده‌اند. مفاهیمی از قبیل محافظه‌کاری، فاشیسم، اجتماع‌گرایی، خودمختاری، کشور و مرز، شهروندی، تجزیه، جهان وطنی، حقوق گروهی و چندگانگی فرهنگی از جمله عوامل مطرح در نظریه سیاسی است که هر کدام رابطه مستقل با ناسیونالیسم دارند.

هنر ناسیونالیستی از مدخل‌های قابل توجهی است که از آن بعنوان ابزار هویت یک قوم در برابر دیگر اقوام و وسیله‌ای برای اعلام حق آن قوم برای پیش بردن هویت خود در دنیای بین‌الملل پشتیبانی می‌کند. توجه این بحث به آفرینش یا بزرگداشت هنری است که از جامعه یا ملتی پشتیبانی کند. نمونه‌های مدرن هنر ناسیونالیستی و علت‌های تولید آن مورد بحث بوده‌است.

مباحث سیاسی از قبیل دموکراسی، دولت نیز در تعامل با ناسیونالیسم می‌باشند. دموکراسی همانند ناسیونالیسم واژه‌ای بحث‌انگیز است، اما تأثیر این دو در نظام متغیر جهانی و جهانی شدن منتهی به مطالباتی در حوزه‌های هویتی جداگانه شده‌است. ایجاد دولت مدرن به ناسیونالیسم بستگی دارد.

تبتی ناسیونالیسم، تایوانی ناسیونالیسم، تروتسکی لئون، ترور یسم، ترومن هری، تمدن یونانی و ناسیونالیسم، تیتو یوسی بروز.
در حرف «ج» نیز به ۲۶ مدخل اشاره شده است، همچون: جامعه اقتصادی اروپا، جامعه بین الملل، جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، جانسون، جفرسون توماس، جمال الدین اسدآبادی، جنگ و ناسیونالیسم، جون جوردن، جهان شهرگرایی.

حرف «چ» فقط به بررسی ۱۰ مدخل پرداخته است: چایکونسکی بیتو ایلچ، چرچیل وینستون، چوئن لای، چینی ناسیونالیسم و ...

حرف «ح» نیز شامل ۷ مدخل می باشد: حزب پلنگان سیاه، حسین شاه اردن، حق حاکمیت ناسیونالیسم، حقوق بشر، حقوق و ناسیونالیسم و ...

در حرف «خ» ۹ مدخل آمده است: خاچاطوریان آرام، خدوری الی، خرس ایستاده، خروشچف، خمینی امام، خوآرسی، خشونت، خودمختاری، خودگردانی بومیان آمریکا.

در حرف «د» نیز به ۲۳ مدخل اشاره شده است، همچون: داروینیسم اجتماعی، داستایوفسکی، داگلاس، دالایی لاما، دانمارکی ناسیونالیسم، دایان موشه، دموکراسی، دور کهایم، دوگل، دولت-شهر، دیکتاتوری، دیویس جفرسون.

حرف «ر» نیز شامل ۲۲ مدخل است: رادیکالیسم راست گرا، رسانه های همگانی، رمانتیسم، رنسانس، روان شناسی ناسیونالیسم، تئودور روزولت، ژان ژاک روسو، روشنفکران، رونالد ریگان.

در ذیل حرف «ز» شاهد ۸ مدخل می باشیم: زاپاتا امیلیانو، زبان و ناسیونالیسم، زغلول سعد، زولا امیل، زیست شناسی اجتماعی، ناسیونالیسم زیمبابوه، زئیر ناسیونالیسم.

حرف «ژ» فقط شامل دو عنوان یعنی ژاپنی ناسیونالیسم و ژاندارک می باشد.

اما در ذیل حرف «س» به موارد بیشتری در حدود ۳۱ عنوان اشاره شده است: سارمیتو دومینگو، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان ملل متحد، سازمان وحدت آفریقا، سالازار آنتونیو، ساندینو آگوستوسزار، سرمایه داری، سعودی ناسیونالیسم، سن مارتین خوسه، سوئدی ناسیونالیسم، سوئسی ناسیونالیسم، سولژنیتسین الکساندر، سون یات سن، سید قطب، سیک ناسیونالیسم، سینما و ریشه های آن در ناسیونالیسم.

حرف «ش» با ۵ مدخل به پایان می رسد: صدام حسین، صرب ناسیونالیسم، صلح طلبی، صنعتی شدن، صهیونیسم.

حرف «ع» نیز شامل ۱۰ مدخل می باشد: عامه مردم، عبدالناصر جمال، عدم تعهد، عراقی ناسیونالیسم، عربی ناسیونالیسم، عرفات یاسر، علی اف حیدر.

حرف «ف» به ۱۴ عنوان پرداخته است: فاشیسم، فانون

فرانتس، فراناسیونالیسم، فرانتس یوزف، فرانسوی ناسیونالیسم، فرانکو فرانسیسکو، فلسطینی ناسیونالیسم، فورد هنری، فلیپینی ناسیونالیسم. حرف «ق» نیز شامل ۸ مدخل می باشد: قبیله گرای، قذافی معمر، قرقیزستانی ناسیونالیسم، قوم زایی، قوم مداری، قومیت.

در ذیل حرف «ک» نیز به ۴۶ مورد اشاره دارد: کاتالونیایی ناسیونالیسم، کار لایل توماس، کاسترو فیدل، کامبوجی ناسیونالیسم، کره ای ناسیونالیسم، کریمف اسلام، کلیسای ارتدوکس یونانی و ناسیونالیسم، کلیشه های ملی، کندی جان اف، کهل هلموت، کیم ایل سونگ، کمونیسم، کمونیسم ستیزی، کینگ مکنزی.

در حرف «گ» ۲۲ عنوان قرار دارد از جمله، گارد آهنین، کاریبالدی جوزیه، گاندی ایندیرا، گرچی ناسیونالیسم، گروه های اقلیت، گواراچه، گوته یوهان ولفگانگ فون.

ذیل حرف «ل» به ۲۱ مدخل نیز اشاره شده است، همچون: لاک جان، لبنانی ناسیونالیسم، لوئر مارتین، لوکزامبورگ رزا، لومومبا پاتریس، لهستانی ناسیونالیسم، لیبرالیسم، لینکن ابراهام، لی رابرت.

حرف «م» نیز به ۵۰ مدخل اشاره دارد، از جمله: مارشال طرح، مالتوس توماس، مالتی ناسیونالیسم، مترنیخ کنت، مراکنتیلیسم، مردگرایی و ناسیونالیسم، مصدق محمد، مصری ناسیونالیسم، مک کارتی جوزف، موسیقی و ناسیونالیسم، میل جان استوارت، میهن پرستی.

ذیل حرف «ن» نیز به ۳۲ عنوان اشاره شده است: ناپلئون بناپارت، ناسیونالیسم آوارگان، ناسیونالیسم توسعه، ناسیونالیسم سیاه، نتانیاهو بنیامین، نژادپرستی، نسل کشی، نشسته گاو، نفت و ناسیونالیسم، نیچه فردریش.

در حرف «و» نیز به ۳۰ مدخل اشاره شده است، همچون: واشینگتن جورج، والسا لخ، وبر ماکس، ورزش و ناسیونالیسم، ورسای معاهده، ویشی حکومت، ویلزی ناسیونالیسم، وین گنگره.

حرف «ه» با حدود ۱۹ عنوان به پایان می رسد: هر تسل تئودور، هگل، گئورک ویلهلم فردریش، هلندی ناسیونالیسم، هنر و ناسیونالیسم، هویت فرهنگی، هویت ملی، هیتلر آدولف. در پایان نیز ذیل حرف «ی» با ۸ عنوان این جلد کتاب نیز به پایان می رسد: یک جنبش جهانی، یلتسین بوریس. یونانی دولت ملی، یووانویچ اسلوبودان، یهودی ستیزی.

نگاهی به دایرة المعارف ناسیونالیسم روشن می کند که صبغه غالب در این کتاب مفاهیم سیاسی، ملی و قومی است که با دیدی جامعه شناختی به آن پرداخته شده است. با این وجود، اغلب مدخل ها حاوی اطلاعاتی در زمینه تاریخ و توضیح مداخل و مفاهیم می باشد که مطالعاتی نظام مند و مستمر را ایجاب می کرده است. سرانجام مطالعات مذکور سبب نگاشته شدن مدخل های کتاب به صورت موجز، اما کامل و رسا شده است.